

دوفصلنامه علمی مطالعات تقریبی مذاهب اسلامی (فروغ وحدت)
سال هجدهم / دوره جدید / شماره ۵۸ / پاییز و زمستان ۱۴۰۱
صص ۶۴-۷۹ (مقاله علمی - پژوهشی)

بررسی تطبیقی مبانی و حکمت تفاوت دیه زن و مرد در فقه مذاهب اسلامی



۳۶

مطالعات تقریبی مذاهب اسلامی

سال هجدهم
شماره ۵۸ - پاییز و زمستان ۱۴۰۱

• ابراهیم شفیعی سروستانی

استادیار گروه فقه و حقوق دانشگاه قرآن و حدیث

ibrahim.shafiee@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۲/۲۲، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۷/۲۴

چکیده

با توجه به بحث و فقهای مذاهب اسلامی به اتفاق در قتل نفس، دیه زن را نصف دیه مرد می‌دانند گفت‌وگوهایی که در سالهای اخیر در این زمینه مطرح شده، انجام پژوهشی جدی در زمینه مبانی فقهی و حکمت و فلسفه تفاوت دیه زن و مرد امری ضروری است. بر اساس این، در مقاله حاضر با روش توصیفی - تحلیلی و با بهره‌گیری از منابع اصلی فقهی و روایی مذاهب اسلامی، به بررسی مبانی فقهی و همچنین حکمت تفاوت دیه زن و مرد در فقه مذاهب اسلامی پرداخته شده است. یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که نخست، برخلاف ادعای برخی از مخالفان، قول به نابرابری دیه زن و مرد در فقه اهل سنت و فقه امامیه مبتنی بر ادله و مستندات مستحکمی است و دوم، این دیدگاه از حکمت و فلسفه‌ای قابل دفاع برخوردار است.

کلیدواژه‌ها: فقه مقارن، دیات، دیه قتل، تفاوت دیه زن و مرد.

مقدمه

یکی از موارد تفاوت زن و مرد در فقه اسلامی، تفاوت دیه زن و مرد است. این موضوع از موضوعات مورد اتفاق فقهای مذاهب اسلامی است که با ادله متقن به اثبات رسیده است. در سالهای اخیر، مقالات متعددی با رویکردهای مختلف در این زمینه نوشته شده است که در برخی از آنها به نقد و بررسی ادله و مستندات دیدگاه مورد اتفاق فقهای مذاهب اسلامی در زمینه نابرابری دیه زن و مرد پرداخته شده و بر این ادله و مستندات خدشه وارد شده است.^۱ در برخی دیگر از آنها نیز با اذعان به نظریه مورد اتفاق فقها، این دیدگاه مخالف عموماً قرآن و روایات و دیدگاهی تاریخ‌مند و متناسب با شرایط خاص اجتماعی دانسته شده است.^۲ در برخی دیگر نیز، قول به نابرابری دیه موجب استناد ظلم به خدا دانسته شده است.^۳ بر اساس این، واکاوی مبانی و حکمت تفاوت دیه زن و مرد در فقه مذاهب اسلامی امری ضروری است؛ از این رو، در این مقاله، با روش توصیفی-تحلیلی و با بهره‌گیری از سخنان فقهای مذاهب اسلامی، به تبیین این دو موضوع پرداخته شده است.

شایان ذکر است که هدف نویسنده در این مقاله صرفاً دفاع از مبانی، منابع و روش‌شناسی اصیل فقه اسلامی اعم از شیعه و اهل سنت و نفی استنباطهای بی‌اساس از منابع اسلامی و اجتهاد در مقابل نص است و درباره حل مشکل نابرابری دیه زن و مرد در حال حاضر، در جای خود سخن گفته و راه حل مناسب ارائه داده شده است.^۴

دیه زنان در فقه اهل سنت

فقهای مذاهب چهارگانه اهل سنت در این موضوع - که در باب قتل، دیه زن نصف دیه مرد است - با یکدیگر اتفاق نظر دارند؛ اما در باب اعضا و جراحات در میان آنان اختلاف نظر وجود دارد. حنفیان و شافعیان بر این عقیده‌اند که در این باب نیز دیه زن، چه کم باشد و چه زیاد، نصف دیه مرد است؛ اما مالکیان و حنبلیان معتقدند که دیه زن در باب اعضا و جراحات تا زمانی که به یک‌سوم دیه نرسیده، با دیه مرد برابر است؛ اما هنگامی که به این میزان رسید، دیه زن نصف دیه مرد می‌شود.^۵ آنچه در پی خواهد آمد، بررسی تفصیلی دیدگاههای فقهای اهل سنت در موضوع یادشده است. البته برای رعایت اختصار، تنها به بررسی دیدگاه فقها درباره دیه قتل نفس می‌پردازیم.

۱) فقه حنفی

همه فقهای حنفی دیه قتل زن را نصف دیه مرد می‌دانند. ابوبکر احمد بن علی الجصاص (د ۳۷۰ق) در کتاب *مختصر اختلاف العلماء* که در واقع خلاصه‌ای از کتاب *اختلاف العلماء* نوشته احمد بن محمد بن سلامة الطحاوی (د ۳۳۱ق) است، درباره دیدگاه حنفیان درباره دیه زنان می‌گوید: «ابوحنیفه و یاران او و همچنین ثوری و شافعی گفته‌اند: دیه [قتل] زن و جراحات او نصف دیه مرد است، خواه کم باشد و خواه زیاد.»^۶ ابوبکر محمد بن احمد السرخسی (د ۴۸۳ق) یکی دیگر از فقهای حنفی، در این باره می‌گوید: «... در روایتی که از علی به ما رسیده آمده است که دیه زن، چه در مورد [قتل] نفس و چه غیر از آن، نصف دیه مرد است و ما هم همین نظر را می‌پذیریم.»^۷

فقیه دیگر حنفی، ابوبکر بن مسعود الکاسانی (د ۵۸۷ق) نیز در این زمینه می‌نویسد: «دیه زن نصف دیه مرد است. دلیل این قول اجماع صحابه است؛ زیرا

۵. ر.ک: الموسوعة الفقهية، ج ۲۱، صص ۵۹ و ۶۰.

۶. أحكام القرآن، جصاص، ج ۵، ص ۱۰۵.

۷. المبسوط، ج ۲۶، ص ۷۹.

۱. ر.ک: «دیه زن رویارویی دو دیدگاه در فقه اهل سنت»، صص ۵۶-۳۹.

۲. ر.ک: «بررسی نظریه مشهور در تفاوت دیه زن و مرد»، صص ۷۰-۲۹.

۳. ر.ک: «گفتمان فقه اسلامی و رویکرد عدالت‌گرایانه بر مسئله برابری دیه زن و مرد»، صص ۱۱۸-۱۰۰.

۴. ر.ک: تفاوت زن و مرد در دیه و قصاص، صص ۱۴۴-۱۴۶.





از آقای ما علی، ابن مسعود و زید بن ثابت که رضوان خدا بر آنان باد، نقل شده که گفته‌اند: دیه زن نصف دیه مرد است و نقل هم نشده که در این موضوع کسی با آنان مخالفت کرده است و این به منزله اجماع [صحابه] است. [دلیل دیگر این قول این است که] چون میراث زن و [ارزش] شهادت او نصف مرد است؛ پس به همین ترتیب دیه او نیز نصف خواهد بود.^۸

با توجه به عبارتهای نقل شده از فقهای حنفی می‌توان گفت: فقهای این مذهب به استناد دلایل ذیل دیه زن را در همه موارد، نصف دیه مرد می‌دانند: الف. روایاتی که از تنی چند از اصحاب پیامبر (ص) مانند امام علی (ع)، ابن مسعود و زید بن ثابت نقل شده است؛ ب. اجماع صحابه که در حقیقت برگشت آن به مخالفت نکردن صحابه با روایاتی است که در آنها، دیه زن نصف دیه مرد قرار داده شده است؛ ج. برخی دلایل اعتباری (تحلیل‌های عقلی) همچون هماهنگی حکم دیه با سایر احکام مربوط به زنان مثل ارث و ارزش شهادت.

۲) فقه مالکی

ابو عمر یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبدالبر القُرطبی (د ۴۶۳ق)، یکی از فقهای معروف مالکی در بیان دیه زنان می‌گوید: «دیه زنان آزاد نصف دیه مردان آزاد است. اگرچه زنان در قصاص نفس با مردان برابرند؛ اما در دیات با آنان برابر نیستند.»^۹ فقیه و مفسر مالکی، محمد بن احمد الانصاری القُرطبی (د ۶۷۱ق) نیز در این باره می‌گوید: «اجماع اهل علم بر این قرار گرفته که دیه زن نصف دیه مرد است. ابو عمر گفته است: علت اینکه دیه زن نصف دیه مرد قرار داده شده، این است که ارث او نصف ارث مرد است و [در باب گواهی نیز] شهادت دو زن برابر با شهادت یک مرد است.»^{۱۰}

۸. بدائع الصنائع، ج ۷، ص ۳۷۶.

۹. الکافی فی فقه أهل المدينة المالکی، ج ۲،

صص ۱۱۰۹ و ۱۱۱۰.

۱۰. الجوامع لأحكام القرآن، ج ۵، ص ۳۲۵.

با توجه به عبارت یادشده می‌توان گفت که مالکیان به استناد این دلایل دیه زنان را نصف دیه مردان قرار داده‌اند: الف. اجماع فقها؛ ب. هماهنگی حکم دیه با سایر احکام مربوط به زنان مثل ارث و ارزش شهادت.

۳) فقه شافعی

محمد بن ادریس الشافعی (د ۲۰۴ق)، پیشوای شافعیان در بیان مقدار دیه زنان می‌گوید: «در میان اهل علم، از قدیم و جدید، کسی را سراغ ندارم که با موضوع نصف بودن دیه مرد نسبت به دیه زن مخالفت کرده باشد...»^{۱۱} او در ادامه به بیان استدلال در این زمینه می‌پردازد و می‌گوید: «اگر کسی بپرسد: آیا در دیه زن به جز دلیل اجماع که بیان شد، دلیل دیگری هم وجود دارد یا خیر؟ باید گفت که آری، مسلم بن خالد از ایوب بن موسی از ابن شهاب و از مکحول و عطا چنین روایت کرده است: گروهی از مردم برای ما نقل کرده‌اند که دیه مرد آزاد مسلمان در زمان پیامبر خدا که درود و سلام خدا بر او باد، صد شتر بود و عمر بن خطاب این مقدار را برای شهرنشینان به هزار دینار و یا دوازده هزار درهم ارزش گذاری کرد و دیه زن آزاد مسلمان را در صورتی که از شهرنشینان بود، پانصد دینار و یا شش هزار درهم قرار داد...»^{۱۲}

علی بن محمد بن حبيب الماوردی (د ۴۵۰ق)، یکی دیگر از فقهای شافعی، در این زمینه می‌گوید: «دیه قتل زن نصف دیه مرد است و این قول جمهور فقهاست؛ اما اصم و ابن علیّه گفته‌اند که دیه زن و مرد به دو دلیل باهم برابر است؛ نخست، برابری زن و مرد در قصاص ایجاب می‌کند که آنان در دیه نیز باهم برابر باشند؛ و دوم، اینکه در سقط جنین، چه دختر باشد و چه پسر، بی‌هیچ تفاوتی پرداخت یک بنده (کنیز) لازم می‌آید، ایجاب می‌کند که دیه زن و مرد هم برابر باشد؛ زیرا پرداخت بنده (کنیز) یکی از

۱۱. الأم، ج ۶، ص ۱۳۷.

۱۲. همان.



ابن عبدالبرّ گفته‌اند: اهل علم بر این موضوع - که دیه زن نصف دیه مرد است - اجماع کرده‌اند؛ اما کسان دیگری از ابن‌علیه و اصمّ نقل کرده‌اند که آنان به استناد این روایت پیامبر که می‌فرماید: «در [قتل] نفس مؤمن صد شتر است»، گفته‌اند: دیه زن و مرد یکسان است؛ اما این سخن نادری است که با اجماع صحابه و سنت پیامبر مخالف است. در نامه [پیامبر اسلام به] عمرو بن حزم آمده است: «دیه زن نصف دیه مرد است» و این نسبت به روایتی که [ابن‌علیه و اصمّ] نقل کرده‌اند، خاص است و هر دو در یک نامه بوده است؛ بنابراین، آنچه ما گفتیم سخن این دو را تفسیر کرده و تخصیص می‌زند...»^{۱۶}

چنانکه از عبارات یادشده به دست می‌آید، حنابله نیز چون دیگر مذاهب اسلامی، معتقدند که دیه زنان در قتل نفس، نصف دیه مردان است؛ اما دلایلی که این طایفه بدان تمسک جسته‌اند؛ عبارت‌اند از: الف. نامه پیامبر اسلام به عمرو بن حزم که در آن به صراحت، دیه زن نصف دیه مرد بیان شده است؛ ب. اجماع فقها. در پایان بررسی تفصیلی اقوال فقهای مذاهب چهارگانه اهل سنت درباره دیه قتل زنان، برای روشن‌تر دیدگاه و دلایل مذاهب اهل سنت در موضوع محل بحث، با استفاده از دو منبع معتبر فقه تطبیقی، خلاصه و جمع‌بندی اقوال یادشده را مرور می‌کنیم. در الموسوعه الفقهیه، ذیل مدخل «دیه الأثنی»، در این باره چنین آمده است: «نظر فقها بر این است که دیه زن آزاد مسلمان نصف دیه مرد آزاد مسلمان است. از پیامبر که درود و سلام خدا بر او باد و همچنین از عمر، علی [بن ابی طالب]، ابن مسعود و زید بن ثابت که خدا از آنان راضی باد، نیز همین نظر روایت شده است. ابن منذر و ابن عبدالبرّ گفته‌اند: اهل علم بر این موضوع - که دیه زن نصف دیه مرد است - اجماع کرده‌اند. دلیل این نظر روایتی است که معاذ بن جبل از پیامبر که درود و سلام خدا بر

اقسام دیه است. اما دلیل درستی آنچه جمهور فقها بدان قائل شده‌اند، یکی روایت معاذ بن جبل و عمرو بن حزم از پیامبر است که در آن آمده: «دیه زن نصف دیه مرد است» و این صریح در حکم است و دیگری سخن عمر، علی، ابن عباس و زید بن ثابت است که خدا از آنان راضی باد. هیچ‌کس هم با آن مخالفت نکرده و به همین دلیل، تبدیل به اجماع شده است. دلیل دیگر هم اینکه: دیه، برخلاف قصاص که حد به حساب می‌آید، امری مالی است و زن و مرد چنانکه در حدود باهم برابرند، در قصاص نیز باهم برابرند؛ اما در میراث [که امری مالی است] زن با مرد برابر نیست و نصف او سهم می‌برد و به همین خاطر در دیه نیز زن و مرد برابر نیستند و دیه زن نصف دیه مرد است.»^{۱۳} دیگر فقهای شافعی نیز در کتابهای خود، با اندک اختلافی در عبارت، همان مطالبی را بیان کرده‌اند که در جملات بالا بدانها اشاره شده بود به همین سبب، از ذکر آنها خودداری می‌شود.^{۱۴} با توجه به مطالب یادشده می‌توان گفت شافعیان به استناد دلایل ذیل دیه زن را به‌طور مطلق نصف دیه مرد می‌دانند و در این زمینه با حنفیان هم‌نظرند: الف. اجماع صحابه؛ ب. روایاتی که در آنها به فعل خلیفه دوم در نصف قرار دادن دیه زن نسبت به دیه مرد، اشاره شده است؛ ج. روایتی که معاذ بن جبل و عمرو بن حزم از پیامبر نقل کرده‌اند؛ د. روایاتی که از برخی صحابه چون امام علی (ع)، عمر و ابن عباس در این زمینه نقل شده است؛ ه. قیاس دیه به میراث.

۴) فقه حنبلی

ابوالقاسم عمر بن الحسین بن عبدالله خرقی (د ۳۳۴ق)، یکی از فقهای سرشناس حنبلی، درباره دیه زنان می‌نویسد: «دیه زن آزاد نصف دیه مرد آزاد است.»^{۱۵} موفق‌الدین ابن‌قدامه (د ۶۳۰ق)، فقیه مشهور حنبلی، در باب دیه زنان می‌گوید: «ابن منذر و

۱۳. الحاوی الکبیر، ج ۱۲، صص ۲۸۹ و ۲۹۰.

۱۴. المجموع، ج ۱۹، ص ۵۲؛ کفایة الأخیار، ج ۲، ص ۱۳۴.

۱۵. متن الخرقی، ج ۱، ص ۱۲۷.

۱۶. المغنی، ج ۹، صص ۵۳۱ و ۵۳۲.



او باد، روایت کرده و در آن آمده است: "دیه زن نصف دیه مرد است". دلیل دیگر این نظر این است که چون زنان در [باب] شهادت و میراث نصف مردان به حساب آمده‌اند، به همین ترتیب در دیه نیز [نصف مردان خواهند بود]. آنچه گفته شد، مربوط به دیه [قتل] نفس بود؛ اما در دیه اعضا و جراحات در میان فقها اختلاف نظر وجود دارد...»^{۱۷}

یکی از اندیشمندان معاصر اهل سنت نیز در عبارتی کوتاه، دلایل فقهای اهل سنت بر نصف بودن دیه زنان نسبت به دیه مردان را به این شرح دسته‌بندی کرده است: «همه فقها، مگر تعداد نادری از آنان، بر این موضوع اتفاق نظر دارند که دیه زن نصف دیه مرد است. آنان در این زمینه به احادیث، آثار و دلایل عقلی تمسک جست‌اند؛ اما احادیث: از جمله آنها روایت مرفوعه‌ای است که "معاذ" از پیامبر - که بر او سلام باد- نقل کرده و در آن آمده است: "دیه زن نصف دیه مرد است". از "علی" نیز روایت شده که: "دیه زن در جان و کمتر از جان نصف دیه مرد است". اما آثار در این زمینه فراوان است و از عمر، علی، عثمان، ابن عباس، ابن عمر و زید بن ثابت در همین موضوع روایت‌هایی نقل شده است تا آنجا که گفته‌اند: در اینکه دیه زن نصف دیه مرد است، یاران پیامبر اجماع نموده‌اند. دلیل عقلی هم اینکه: چون زن در میراث و شهادت نصف مرد است؛ پس در دیه نیز باید چنین باشد. از ابن علیّه و ابوبکر اصمّ که از مخالفان قیاس بوده‌اند، حکایت شده که گفته‌اند: دیه زن و مرد باهم برابر است؛ زیرا پیامبر در حدیث عمرو بن حزم [به طور مطلق] می‌فرماید: دیه جان مؤمن صد شتر است.»^{۱۸}

با توجه به آنچه گذشت، روشن می‌شود که فقهای مذاهب چهارگانه اهل سنت درباره نصف بودن دیه زن نسبت به دیه مرد اجماع دارند و در طول

تاریخ فقه مذاهب اسلامی جز ابواسحاق، ابراهیم بن اسماعیل اسدی معروف به ابن علیّه (۱۵۲-۲۱۸ق) و استادش عبدالرحمن بن کیسان معروف به ابوبکر الأصم (۲۰۱-۲۷۹ق) که به بیان اقوال شاذ و نادر مشهورند، هیچ‌کس با این موضوع مخالفت نکرده است؛ بنابراین، این ادعا که در این باره دو دیدگاه در فقه اهل سنت رویاروی هم قرار گرفته‌اند،^{۱۹} سخن بی‌اساسی است.

دیه زنان در فقه شیعه

۱) دیدگاه فقها

فقهای شیعه نیز چون فقهای دیگر مذاهب اسلامی دیه زن را در موارد قتل، نصف دیه مرد می‌دانند. در سایر موارد صدمات جسمانی (تلف عضو و جراحات)، دیه زن و مرد را تا زمانی که به یک‌سوم دیه نرسیده، باهم برابر می‌دانند و معتقدند تنها از این زمان به بعد است که دیه زن نصف می‌شود.^{۲۰} برای آشنایی بیشتر با دیدگاه فقهای شیعه در موضوع یادشده، سخنان برخی از ایشان به ترتیب تاریخی مطالعه و بررسی می‌شود. شیخ مفید (۳۳۶-۴۱۳ق) در کتاب *المقنعة* در باب دیه قتل می‌گوید: «هنگامی که مردی از روی عمد زنی را به قتل می‌رساند، اگر بستگان زن دریافت دیه را انتخاب کنند و قاتل نیز بدان رضایت دهد، بر او لازم است که پنجاه شتر به آنان بپردازد...؛ زیرا دیه زن نصف دیه مرد است.»^{۲۱} شیخ طوسی (۳۸۵-۴۶۰ق) در کتاب *المبسوط* درباره دیه زن می‌گوید: «دیه زن، بنا بر اجماع [فقها]، نصف دیه مرد است و تنها ابن علیّه و اصمّ در این موضوع برخلاف اجماع سخن گفته و قائل شده‌اند که دیه آنان باهم برابر است.»^{۲۲}

ایشان در کتاب *الخلاف*، دلایل نصف بودن دیه زن را

۱۹. «دیه زن رویارویی دو دیدگاه در فقه اهل سنت»، صص ۵۶-۳۹.

۲۰. *جواهر الکلام*، ج ۴۳، صص ۳۲ و ۳۳.

۲۱. *المقنعة*، ص ۷۳۹.

۲۲. *المبسوط فی فقه الإمامیة*، ج ۷، ص ۱۴۸.

۱۷. *الموسوعة الفقهیة*، ج ۲۱، صص ۵۹ و ۶۰.

۱۸. *الفقه الإسلامی و أدلته*، ج ۶، صص ۳۱۰ و ۳۱۱.

چنین برمی‌شمارد: «نظر همه فقها بر این است که دیه زن نصف دیه مرد است. البته ابن علیّه و اصم گفته‌اند: دیه آنان باهم برابر است. دلیل ما [بر آنچه گفته شد] اجماع [فقهای] شیعه است؛ همچنین عمرو بن حزم از پیامبر - که بر او سلام باد- روایت کرده: "دیه زن نصف دیه مرد است" و معاذ هم مشابه همین را از پیامبر - که درود خدا بر او و خاندانش باد- روایت کرده و گفته است: اجماع امت بر این موضوع قرار گرفته است. مطلب یادشده از علی - که بر او سلام باد- از عمر، ابن عباس و زید بن ثابت نیز روایت شده و کسی هم با آنان مخالفت نکرده است.»^{۲۳}

فقیه شیعی، ابوعلی حمزة بن عبدالعزیز معروف به سلار (د ۴۶۳ق)، درباره دیه قتل زن می‌گوید: «اگر مردی زنی را به قتل برساند و بستگان زن بخواهند که مرد را قصاص کنند، باید نصف دیه او را به بازماندگانش پرداخت کنند؛ اما اگر آنان دیه را برگزینند، این حق را دارند که نصف دیه مرد را مطالبه کنند.»^{۲۴} ابن براج (۴۰۰-۴۸۱ق) نیز پس از آنکه مقادیر شش‌گانه دیات را برمی‌شمارد، تصریح می‌کند که «آنچه بیان شد، دیه مرد آزاد مسلمان بود، خواه کوچک باشد، خواه بزرگ؛ اما دیه زن آزاد مسلمان نصف این مقدار است، خواه کوچک باشد، خواه بزرگ.»^{۲۵}

حمزة بن علی بن زهره معروف به ابن زهره (۵۱۱-۵۸۵ق) نیز نصف بودن دیه زن نسبت به دیه مرد را مورد اتفاق همه فقها می‌داند و می‌گوید: «دیه زن نصف دیه مرد است. در این زمینه هیچ نظر مخالفی وجود ندارد، تنها ابن علیّه و اصم گفته‌اند که دیه آنان با هم برابر است؛ اما روایتی که از طریق ایشان [اهل سنت] از پیامبر - که بر او سلام باد- نقل شده و در آن آمده است: "دیه زن نصف دیه مرد است"،

برخلاف نظر این دو دلالت دارد.»^{۲۶}

ابن ادریس (۵۴۳-۵۹۸ق) نیز چون سایر فقهای شیعه، دیه زن را در موارد قتل، نصف دیه مرد می‌داند.^{۲۷} محقق حلی (۶۰۲-۶۷۶ق) نیز در باب قتل، پس از بیان اجناس شش‌گانه‌ای که دیه از آنها قابل پرداخت است، می‌گوید: «دیه زن نصف همه اجناس یادشده است.»^{۲۸} در کتاب قواعد الاحکام علامه حلی (۶۴۷-۷۲۶ق) درباره دیه زن مسلمان چنین آمده است: «دیه [قتل] زن مسلمان آزاد از هر کدام از اجناس دیه که پرداخت شود و در همه اشکال سه‌گانه [قتل عمد، شبه‌عمد و خطای محض] نصف دیه مرد آزاد مسلمان است، خواه این زن کوچک باشد و خواه بزرگ، خواه عاقل باشد و خواه دیوانه، خواه اعضای او سالم باشد و خواه نباشد.»^{۲۹}

فقهای متأخر شیعه نیز چون قدمای ایشان در اینکه دیه قتل زن نصف دیه مرد است، با یکدیگر اتفاق نظر دارند. در اینجا برای نمونه، به سخنان برخی از بزرگان فقهای متأخر شیعه اشاره می‌شود. سید علی طباطبایی (۱۱۶۱-۱۲۳۱ق)، مؤلف ریاض المسائل، پس از آنکه مقادیر شش‌گانه دیات را به تفصیل بیان می‌کند، در باب دیه زنان می‌نویسد: «اما دیه قتل زن آزاد مسلمان نصف همه مقادیر شش‌گانه‌ای است که پیش از این گذشت؛ پس [دیه زن اگر] از شتر [پرداخت شود] پنجاه شتر، [و اگر] از دینار [پرداخت شود] پانصد دینار است. همین‌طور است نسبت به سایر مقادیر. [دلیل این مسئله] هم اجماعی است که تحقق آن ثابت شده و هم اجماعی است که در کلام گروهی از فقها نقل شده و به حد استفاضه رسیده است که این بر ما حجت است. به علاوه [در این زمینه] هم خبرهای صحیح مستفیض و هم خبرهای

۲۶. غنیة النزوع، ج ۱، ص ۴۱۴.

۲۷. موسوعة ابن ادریس الحلی، ج ۱۳، ص ۴۵.

۲۸. شرائع الإسلام، ج ۴، ص ۲۳۰.

۲۹. قواعد الأحکام، ج ۳، ص ۶۶۸.

۲۳. کتاب الخلاف، ج ۵، ص ۲۵۴.

۲۴. المراسم، ص ۲۳۶.

۲۵. المذهب، ج ۲، ص ۴۵۷.





معتبری که در حد تواتر است، وجود دارد.»^{۳۰}

سید محمدجواد حسینی عاملی (د ۱۲۲۶ق) در کتاب *مفتاح الكرامة*، به طور فشرده دیدگاه فقه اسلامی در باب دیه زنان را به این شرح ارائه داده است: «دیه زنِ مسلمان آزاد نصف دیه مرد آزاد مسلمان است. این موضوع، چنانکه در *المبسوط* نیز آمده، به اجماع ثابت شده است و تنها ابن علیّه و اصم گفته‌اند که دیه آنان باهم برابر است. در *الغنیة* نیز آمده است که به جز این دو نفر، مخالفی در این زمینه وجود ندارد. مراد او از این جمله این است که در میان همه [طوایف] مسلمانان مخالفی وجود ندارد.»^{۳۱}

شیخ محمدحسن نجفی (د ۱۲۶۶ق)، مؤلف *جواهر الکلام*، نیز نصف بودن دیه زن نسبت به دیه مرد را امری اجماعی و مورد اتفاق همه مذاهب اسلامی می‌داند و در این باره می‌گوید: «در هر حال، دیه [قتل] زن آزاد مسلمان، خواه کوچک باشد، خواه بزرگ، خواه عاقل باشد، خواه دیوانه، خواه از سلامت اعضا برخوردار باشد، خواه نباشد، از هر کدام از اجناس یادشده [که پرداخت شود]، چه در قتل عمد و چه در قتل شبه‌عمد و خطا [ی محض] نصف دیه مرد است و در این موضوع هیچ اختلافی و هیچ اشکالی، نه در روایات و نه در فتاوا وجود ندارد، بلکه هر دو نوع اجماع [محکمی و محصل] بر این موضوع اقامه شده و حتی اجماع محکی (منقول) در اینجا همانند نصوص مستفیض و یا متواتر است و از این بالاتر، همه مسلمانان در این موضوع وحدت نظر دارند و تنها ابن علیّه و اصم گفته‌اند که دیه زن همانند مرد است؛ اما اجماع هم پیش و هم پس [از زمان] این دو [برخلاف آنچه آنها گفته‌اند] منعقدشده است. به علاوه، کسانی که اجماع امت را در این زمینه نقل کرده‌اند، نه اعتنایی به مخالفت آنان کرده و نه اشاره‌ای به آنان نموده‌اند؛ بنابراین، در اینجا هیچ اثری بر مخالفت آنان مترتب نیست. با این توضیحات، دیه زن پنجاه شتر و

یا پانصد دینار و یا... خواهد بود.»^{۳۲}

با توجه به سخنان نقل شده از فقهای متقدم و متأخر شیعه، تردیدی در اتفاق نظر همه فقهای امامیه در نابرابری دیه زن و مرد باقی نمی‌ماند. حال باید دید که آنان به استناد چه دلایلی به این اتفاق نظر گسترده رسیده‌اند.

۲) بررسی دلایل

الف) روایات: برخی از روایاتی که دلالت بر نصف بودن دیه زن نسبت به دیه مرد در قتل نفس می‌کنند، به قرار ذیل است:

۱- صحیحہ عبدالله بن مسکان: در بخشی از روایت صحیحی که عبدالله بن مسکان از امام صادق(ع) نقل کرده، آمده است: «... دية المرأة نصف دية الرجل»؛ «... دیه زن نصف دیه مرد است.»^{۳۳}

۲- صحیحہ عبدالله بن سنان: در این صحیحہ که پیش از این نیز بدان اشاره شد، چنین آمده است: «سمعت ابا عبدالله(ع) يقول في رجل قتل امرأته متعمداً، فقال: إن شاء أهلها أن يقتلوه [قتلوه] و يؤدوا إلى أهله نصف الدية؛ و إن شاؤوا أخذوا نصف الدية: خمسة الآف درهم...»؛ «از امام صادق(ع) شنیدم که درباره مردی که زنش را به عمد کشته بود، فرمود: بستگان زن اگر بخواهند مرد را به قتل برسانند، می‌توانند این کار را انجام دهند و نصف دیه او را به بستگانش پرداخت کنند و اگر هم بخواهند [دیه بگیرند] می‌توانند نصف دیه را یعنی پنج هزار درهم [از آن مرد] دریافت کنند.»^{۳۴}

۳- صحیحہ ابو عبیدة: حلبی و ابو عبیدة هر دو روایت کرده‌اند: «سئل عن رجل قتل امرأة خطأ و هي علی رأس الولد تمخض، قال: علیہ الدية خمسة الآف درهم و علیہ للذی فی بطنها غرة و صیف أو وصيفة أو أربعون دیناراً»؛ «از امام صادق(ع) درباره مردی که زنی باردار (در آستانه زایمان) را از روی خطا کشته بود، پرسیده شد. آن حضرت فرمود: پرداخت دیه که آن پنج هزار درهم است، بر او لازم می‌شود؛ همچنین به خاطر جنینی که در شکم آن زن بوده، بر او لازم

۳۲. جواهر الکلام، ج ۴۳، ص ۳۲.

۳۳. وسائل الشیعة، ج ۲۹، ص ۲۰۵.

۳۴. همان، ج ۲۹، صص ۲۰۵ و ۲۰۶.

۳۰. ریاض المسائل، ج ۱۰، ص ۳۸۷.

۳۱. مفتاح الكرامة، ج ۱۰، ص ۳۶۸.

است که بنده و یا کنیزی جوان و یا چهل دینار [به بازماندگان زن] بپردازد.^{۳۵} اینها نمونه‌هایی از روایاتی است که در باب دیه زنان وارد شده و همه آنها به صراحت بر نصف بودن دیه زن نسبت به دیه مرد دلالت می‌کنند و برخلاف ادعای برخی، آنها را نمی‌توان «به حساب تاریخ‌مندی و شرایط خاص اجتماعی»^{۳۶} گذاشت؛ زیرا در آنها هیچ قرینه لفظی و غیرلفظی وجود ندارد که دلالت بر متغیر بودن این حکم کند.^{۳۷}

ب) اجماع: دومین دلیلی که بر نصف بودن دیه زن نسبت به دیه مرد اقامه شده، اجماع فقها است. از میان فقهای متأخر کسانی مانند سید علی طباطبایی (۱۱۶۱-۱۲۳۱ق) و شیخ محمدحسن نجفی (د ۱۲۶۶ق) ادعا کرده‌اند که هر دو نوع اجماع، یعنی هم اجماع محکی (منقول) و هم اجماع محصل، بر موضوع یادشده دلالت می‌کند.^{۳۸} از میان فقهای متقدم، شیخ طوسی (۳۸۵-۴۶۰ق) نصف بودن دیه زن را اجماعی دانسته^{۳۹} و ابن زهره (۵۱۱-۵۸۵ق) نیز گفته است که هیچ قول مخالفی در این زمینه وجود ندارد.^{۴۰} در بررسی سخنان فقها هم مشاهده شد که همه آنان به اتفاق، موضوع یادشده را پذیرفته و بر آن فتوا داده‌اند؛ اما اینکه اجماع در اینجا دلیل مستقلی است یا حاصل روایات فراوانی که در این زمینه وارد شده، موضوعی است که در این مجال

۳۵. همان، ج ۲۹، ص ۲۰۶. لازم به توضیح است که روایت مزبور، با وجود صحت آن به دلیل ذکر «غرّة» در ذیل آن، مورد عمل فقهای امامیه واقع نشده است و ایشان سقط جنین را با توجه به مراحل پنج‌گانه رشد آن، موجب ضمان دیه از ۲۰ تا ۱۰۰ دینار دانسته‌اند.

۳۶. «بررسی نظریه مشهور در تفاوت دیه زن و مرد»، ص ۶۸.

۳۷. ر.ک: معیارهای بازشناسی احکام ثابت و متغیر در روایات، ج ۲، صص ۶۸-۱۳.

۳۸. ریاض المسائل، ج ۱۰، ص ۳۸۷؛ جواهر الکلام، ج ۴۳، ص ۳۲.

۳۹. المبسوط فی فقه الإمامیة، ج ۷، ص ۱۴۸؛ کتاب الخلاف، ج ۵، ص ۲۵۴.

۴۰. غنیة النزوع، ج ۱، ص ۴۱۴.

فرصت پرداختن به آن نیست و چندان فایده‌ای هم بر آن بار نمی‌شود.

با توجه به ادله یادشده، روشن می‌شود که ادعای برخی مخالفان نابرابری دیه و زن و مرد که می‌گویند: «تساوی زن و مرد در اصل انسانیت و شخصیت بر اساس آیات و روایات دلالت می‌کند که قول به نابرابری دیه زن و مرد موجب استناد ظلم به خداوند است»،^{۴۱} نوعی اجتهاد در مقابل نص است.

حکمت تفاوت دیه زن و مرد

تبیین حکمت و فلسفه احکام شرع^{۴۲} از دیرباز مورد توجه فقهای بزرگوار شیعه و اهل سنت بوده و آثار متعددی در این زمینه نگاشته شده است.^{۴۳} با توجه به پرسشها و شبهه‌های فراوانی که در سالهای اخیر درباره برخی از احکام اسلامی، به ویژه احکام مرتبط با تفاوت زن و مرد در ابواب مختلف فقه مطرح شده، پرداختن به این موضوع و تلاش در راه تبیین فلسفه این تفاوتها، در حال حاضر از ضرورت و اولویت بیشتری برخوردار است.

در ابتدا باید گفت که پرسش از چرایی تفاوت دیه زن و مرد پرسش جدیدی نیست و در عصر امامان معصوم(ع) نیز این پرسش مطرح بوده است و هم در آثار روایی اهل سنت و هم در آثار روایی پیروان اهل بیت(ع)، به نشانه‌هایی برمی‌خوریم که این موضوع در اعصار گذشته نیز برای بسیاری سؤال برانگیز بوده است. بسیاری از فقهای اهل سنت روایتی را نقل کرده‌اند که در آن ربیعه با تعجب از سعید بن مسیب

۴۱. «گفتنمان فقه اسلامی و رویکرد عدالت‌گرایانه بر مسئله برابری دیه زن و مرد»، ص ۱۱۶.

۴۲. به مصلحت یا مفسده‌ای که در تشریح حکم از سوی شارع دخالت دارد؛ اما علت تامه وجود و عدم حکم نیست، حکمت یا فلسفه حکم گفته می‌شود (ملاکات احکام و شیوه‌های استکشاف آن، ص ۳۷).

۴۳. ر.ک: «ماهیت مقاصد شریعت و نقش آن در استنباط حکم شرعی از دیدگاه فریقین»، صص ۱۳۷-۱۰۷؛ «فقه و مقاصد شریعت»، صص ۱۵۸-۱۱۸.





درباره علت تفاوت دیه قطع انگشتان زن و مرد می‌پرسد و پاسخ می‌شود: «سنت این چنین است.»^{۴۴} در روایات شیعه نیز آمده است که امام صادق (ع) در پاسخ ابان بن تغلب که از شنیدن حکم دیه قطع انگشتان زن سخت دچار تعجب شده بود و آن را بعید می‌شمرد، فرمودند: «آهسته باش ای ابان! این حکم رسول خداست.»^{۴۵}

چنانکه مشاهده می‌شود، در روایتهای یادشده، محور اصلی پاسخها دعوت به تعبد نسبت به احکام الهی و پایبندی به سنت رسول خدا (ص) است که این همان روح شریعت و اساس دین‌داری است و بدون آن، اسلام و مسلمانی جز ظاهری توخالی چیزی نخواهد بود. تعبد و تسلیم در برابر احکام شرع چنانکه پیش از این گفته شد، منافاتی با پی‌جویی از حکمت و فلسفه آنها ندارد؛ زیرا به اعتقاد بسیاری از علمای اسلام، اوامر و نواهی الهی بر مصالح و مفاسد واقعی مبتنی هستند و در همه احکام شرع، منافع بندگان و دفع ضرر از آنان لحاظ شده است.^{۴۶} روایات متعددی نیز بر این موضوع دلالت دارند.^{۴۷} درباره تفاوت دیه زن و مرد نیز، در روایات به علت و فلسفه‌ای اشاره نشده؛ اما عده‌ای در صدد برآمده‌اند که با بیان حکمت‌هایی عقلایی برای آن، به نحوی این تفاوت را توجیه کنند. در اینجا به سخنان برخی از آنان اشاره می‌شود:

۱) فقها و مفسران اهل سنت

برخی از فقها و مفسران اهل سنت در سخنان خود، به حکمت تفاوت دیه زن و مرد پرداخته‌اند که در مجموع می‌توان دیدگاه آنان در این زمینه را به سه دسته تقسیم کرد:

۴۴. المغنی، ج ۹، ص ۵۳۳.

۴۵. وسائل الشیعه، ج ۲۹، ص ۳۵۲.

۴۶. برای مطالعه بیشتر در این زمینه ر.ک: «تبعیت یا عدم تبعیت احکام از مصالح و مفاسد واقعی»، صص ۳۲-۹؛ «تبعیت احکام از مصالح و مفاسد»، صص ۱۰۶-۷۲.

۴۷. ر.ک: الکافی، ج ۲، ص ۷۴، ح ۲؛ علل الشرائع، ج ۱، ص ۱؛ ج ۲، ص ۵۹، ح ۴۳.

الف) قیاس احکام دیه با احکام ارث و شهادت: بسیاری از فقها و مفسران اهل سنت، در بیان فلسفه تفاوت دیه زن و مرد، به مقایسه احکام دیه با احکام ارث و شهادت پرداخته و نتیجه گرفته‌اند که چون زن و مرد در احکام ارث و شهادت متفاوت‌اند، به همین سان در احکام دیه هم تفاوت دارند. ابوبکر بن مسعود الکاسانی (د ۵۸۷ق)، یکی از فقهای حنفی، در این زمینه می‌نویسد: «... چون میراث زن و [ارزش] شهادت او نصف مرد است؛ پس به همین ترتیب دیه او نیز نصف خواهد بود.»^{۴۸} فقیه و مفسر مالکی، محمد بن احمد الانصاری القرطبی (د ۶۷۱ق) نیز در همین باره می‌نویسد: «ابوعمر گفته است: علت اینکه دیه زن نصف دیه مرد قرار داده‌شده، این است که ارث او نصف ارث مرد است و [در باب گواهی نیز] شهادت دو زن برابر با شهادت یک مرد است.»^{۴۹} وهبه الزحیلی (د ۲۰۱۵م)، یکی از فقهای معاصر اهل سنت، در بیان دلیل عقلی تفاوت دیه زن و مرد می‌گوید: «چون زن در میراث و شهادت نصف مرد است؛ پس در دیه نیز باید چنین باشد.»^{۵۰}

ب) نابرابری زن و مرد در امور مالی:

گروهی دیگر از فقها و مفسران اهل سنت نیز با مقایسه دیه با سایر حقوق مالی نتیجه گرفته‌اند که چون در حقوق مالی به تفاوت صفات و ویژگی‌ها توجه می‌شود، در دیه نیز به تفاوت صفات و ویژگی‌های زن و مرد توجه می‌گردد و بر همین مبنا، دیه زن نصف دیه مرد محاسبه می‌شود. علی بن محمد بن حبیب الماوردی (د ۴۵۰ق)، یکی از فقهای شافعی، در این زمینه می‌گوید: «دلیل دیگر هم اینکه دیه، برخلاف قصاص که حد به حساب می‌آید، امری مالی است و زن و مرد چنانکه در حدود با هم برابرند، در قصاص نیز با هم برابرند؛ اما در میراث [که امری مالی است] زن با مرد برابر نیست و نصف او سهم می‌برد»

۴۸. بدائع الصنائع، ج ۷، ص ۳۷۶.

۴۹. الجامع لأحكام القرآن، ج ۵، ص ۳۲۵.

۵۰. الفقه الإسلامی وأدلته، ج ۶، صص ۳۱۰ و ۳۱۱.

و به همین خاطر در دیه نیز زن و مرد برابر نیستند و دیه زن نصف دیه مرد است.^{۵۱}

مفسر و فقیه مالکی، ابوبکر محمد بن عبدالله معروف به ابن عربی (۴۶۸-۵۴۳ق)، در تفسیر آیه ۹۲ سوره نساء می‌گوید: «بنای دیه در شریعت اسلام بر تفاضل در حرمت و تفاوت در مرتبه است؛ زیرا دیه حقی مالی است و بر اساس [تفاوت] صفات، متفاوت می‌شود؛ برخلاف قصاص که برای بازدارندگی تشریح شده و تفاوت صفات در آن لحاظ نشده است. بر همین اساس است که دیه زن از دیه مرد کمتر است؛ همچنین به دلیل برتری مسلمان بر کافر، لازم است که دیه مسلمان با کافر یکسان نباشد.»^{۵۲}

ج) نابرابری زن و مرد از نظر جایگاه اقتصادی: برخی دیگر از فقها و مفسران اهل سنت نیز تفاوت جایگاه اقتصادی زن و مرد را دلیل تفاوت دیه آنان ذکر کرده‌اند. ابوالحسن علی بن ابی‌بکر المرغینانی (د ۵۹۳ق)، یکی از فقهای حنفی، پس از اشاره به دیدگاه حنفیان در زمینه نصف بودن دیه زن نسبت به دیه مرد، درباره فلسفه این تفاوت می‌نویسد: «زیرا جایگاه زن از جایگاه مرد پایین‌تر و منفعت او کمتر است و اثر این تفاوت در دیه نفس و به اعتبار آن در اعضا و جراحات - زمانی که دیه آن یک‌سوم و بیشتر باشد - آشکار شده است.»^{۵۳} محمد رشید رضا (د ۱۳۵۴ق) نیز در تفسیر آیه ۹۲ سوره نساء در این زمینه می‌نویسد: «دیه زن هم مانند دیه خنثی، نصف دیه مرد است. مبنای این تفاوت این است که منفعتی که خانواده مرد به سبب فقدان او از دست می‌دهند، بیشتر از منفعتی است که به سبب فقدان زن از دست می‌رود و بر همین اساس است که ارث زن و مرد متفاوت است؛ اما ظاهر آیه این است که در دیه هیچ تفاوتی میان زن و مرد وجود ندارد.»^{۵۴}

۲) فقها و مفسران شیعه

برخی از فقها و مفسران شیعه نیز در سخنان خود به حکمت تفاوت دیه زن و مرد اشاره کرده‌اند که دیدگاه آنان را می‌توان به این شرح دسته‌بندی کرد:

الف) تفاوت بازده اقتصادی زن و مرد:

برخی از فقها و مفسران شیعه در تبیین حکمت تفاوت دیه زن و مرد، ابتدا دیدگاه کسانی که این تفاوت را مبنای قضاوت درباره ارزش و جایگاه زن در اسلام قرار می‌دهند، نقد کرده و در ادامه، با تبیین دیه به‌عنوان امری صرفاً اقتصادی که مربوط به جنبه جسمانی (بدنی) انسانی است، حکمت نابرابری دیه زن و مرد را تفاوت بازده اقتصادی آنان دانسته‌اند. آیت‌الله مکارم شیرازی، یکی از مراجع معاصر نیز، در درس خارج فقه خود به موضوع اختلاف دیه زن و مرد توجه کرده و این موضوع را از وجود مختلف بررسی نموده است. ایشان پس از بررسی ابعاد مختلف شخصیت انسان نتیجه می‌گیرد که در اسلام، از نظر بعد انسانی و الهی و بعد علمی و فرهنگی، هیچ تفاوتی میان زن و مرد نیست و تنها تفاوتی که در میان آنان وجود دارد، تفاوت در بازده اقتصادی است که آن هم ریشه در تفاوت ساختمان وجودی و توانایی‌های ذاتی زن و مرد دارد و همین تفاوت در بازده اقتصادی است که موجب تفاوت دیه زن و مرد گردیده است.^{۵۵}

آیت‌الله جوادی آملی نیز در این باره می‌گوید: «چون مردها در مسائل اقتصادی معمولاً بیشتر از زنها بازدهی اقتصادی دارند، دیه آنان نیز بیشتر است و این نه بدان معنا است که در اسلام مرد ارزشمندتر از زن باشد بلکه تنها آن بعد جسمانی (جنبه بدنی) آن دو صنف لحاظ می‌شود. اصل دیه مربوط به ارزیابی روح نیست و نباید در مسائل انسان‌شناسی و عظمت زن و مرد این عنوان مورد نقد و نقض قرار گیرد.»^{۵۶}

ب) تفاوت جایگاه اقتصادی زن و مرد:

۵۵. «دروس خارج فقه بحث دیات»، ص ۱۸.

۵۶. زن در آینه جلال و جمال، ص ۴۲۱.

۵۱. الحاوی الکبیر، ج ۱۲، صص ۲۸۹ و ۲۹۰.

۵۲. أحكام القرآن، ابن عربی، ج ۱، ص ۶۰۴.

۵۳. الهدایة، ج ۴، ص ۴۶۱.

۵۴. تفسیر المنار، ج ۵، ص ۲۷۱.





برخی از صاحب‌نظران تفاوت جایگاه اقتصادی زن و مرد در خانواده را حکمت، بلکه علت تفاوت دیه زن و مرد دانسته و بر همین اساس گفته‌اند: در عصر حاضر که زن و مرد دوش‌به‌دوش یکدیگر در فعالیت اقتصادی حضور دارند، می‌توان قائل به برابری دیه زن و مرد شد. یکی از اهل تحقیق در این زمینه می‌گوید: «این حکم که دیه مرد دو برابر دیه یک زن است، به این علت است که مرد مسئولیت اقتصادی دارد و زن فقط مصرف‌کننده است، خودش مولد نیست. حالا اگر روزگاری رسیدیم به اینکه زن هم دوش‌به‌دوش مرد، فعالیت اقتصادی دارد و او هم مولد است و کمتر از مرد نیست، این ممکن است در قوانین دیه اثر بگذارد. بسته به این است که برداشت ما از ادله به چه شکل باشد.»^{۵۷}

اما برخی این نوع بیان حکمت برای احکام شرع را نپذیرفته و در پاسخ سخنان یادشده چنین گفته‌اند: «اولاً، این ادعا برخلاف اطلاق روایات مقطوع [قطعی] السنند و الدلالة است. از قبیل صحیحہ عبدالله بن مسکان عن ابی عبدالله فی حدیث قال: «دیه المرأة نصف دیه الرجل...»؛ ثانیاً، با توجه به اینکه راه کشف علل تامه و ملاکات احکام بر ما بسته است و از قلمرو ادراکات عقلی ما به دور است و جز از طریق نصوص نمی‌توان ملاک تام حکمی را استکشاف نمود، شما از کدام آیه و روایت و به اعتماد بر چه طریق معتبری کشف کردید که ملاک قطعی و علت تام جعل دیه، قدرت و ارزش اقتصادی داشتن است تا بتوانید در مرحله بعد، قاطعانه ادعا کنید در عصر معصومین (ع)، از آن‌رو که فعالیت و تلاش اقتصادی زن مساوی با مرد نبوده؛ لذا دیه او نصف مرد بوده و روزگاری که زن همدوش با مرد فعالیت اقتصادی داشته باشد، دیه‌اش کمتر از مرد نخواهد بود؟ آیا به‌راستی توسعه و تضییق و یا تغییر حکمی، آن‌هم بر اساس علتی که برگرفته از هیچ نص و ظهور شرعی نبوده، بلکه صرفاً

۵۷. «تعامل و تعارض بین فقه و حقوق بشر»، ص ۹.

برخاسته از ذهنیت و استحسان ذوقی است، قیاس نیست؟»^{۵۸}

در اینکه ملاک قطعی و علت تام جعل احکام را نمی‌توان با ادراکات عقلی به دست آورد، تردیدی نیست و ما نیز در این زمینه با نویسندگان محترم هم‌نظریم؛ همچنین با این نظر موافقیم که نمی‌توان تفاوت قدرت و ارزش اقتصادی زن و مرد را به‌عنوان علت^{۵۹} اصلی تفاوت دیه آنان برشمرد؛ تا آنجا که بر اساس آن بتوان به توسعه و تضییق در دایره شمول حکم یادشده دست زد؛ اما اینکه به‌طور کلی از بیان حکمت برای احکام شرع، به‌ویژه در زمینه احکام اجتماعی-سیاسی آن، دست برداریم و اصلاً در پی یافتن ملاکهای عقلایی برای تشریح الهی نباشیم، پذیرفتنی نیست؛ زیرا به‌هرحال، همه دین‌داران در یک سطح نیستند و همه یک میزان تعدد و تسلیم در برابر احکام الهی ندارند و به همین خاطر، تا آنجا که ممکن است باید سعی کنیم که احکام شرع را به‌گونه‌ای بیان نماییم که مورد پذیرش کسانی هم واقع شود که در پی یافتن توجیحات عقلانی برای احکام اجتماعی اسلام هستند. چنانکه بزرگانی چون استاد شهید مرتضی مطهری، در زمانی که بیشترین حملات متوجه دیدگاه اسلام درباره زنان بود، به بیان حکمت‌های عقلانی و اجتماعی برای احکامی چون قضاوت زن، گواهی زن و ... پرداختند و سعی کردند حریم دینت را از اتهامهایی که متوجه آن شده بود، مبرا سازند. نمونه بارز این حرکت مجموعه مقالاتی است که ایشان پیش از انقلاب اسلامی در یکی از مجلات مخصوص زنان منتشر می‌ساختند و بعدها با عنوان نظام حقوق زن در اسلام به‌صورت کتاب

۵۸. «فقهات جواهری یا فقهات ...؟»، ص ۳۵.
۵۹. به وصف ظاهری که قانون‌مند و مترتب بر تشریح حکم باشد، علت حکم می‌گویند؛ مانند اسکار یا مست‌کنندگی که در خمر وجود دارد و از ظاهر نص استفاده می‌شود که تشریح حکم حرمت برای خمر به علت وجود آن و همچنین مصلحتی که در ترک آن وجود دارد، انجام شده است (ملاکات احکام و شیوه‌های استکشاف آن، ص ۳۴).

منتشر شد.

در هر حال، درباره تفاوت دیه زن و مرد نیز اگرچه با قطع و یقین نمی‌توان گفت علت این تفاوت، همان تفاوت در جایگاه اقتصادی آنان است؛ اما به عنوان یک احتمال و یک حکمت می‌توان به آن اشاره کرد. (ج) لزوم رعایت عدالت در جبران خسارت‌های مالی:

سومین دیدگاه موجود درباره حکمت تفاوت دیه زن و مرد و دیدگاه برگزیده این مقاله مبتنی بر لزوم رعایت عدالت در جبران خسارت‌های مالی است. این دیدگاه را می‌توان به دو صورت ارائه داد: یک) دیه، چنانکه برخی مطالعات فقهی و تاریخی نشان می‌دهد،^{۶۰} امری اقتصادی است که به منظور جبران خسارت‌هایی تشریح گردیده است که از ناحیه صدمات جسمانی متوجه مجنی‌علیه و یا اولیای دم می‌شود. از سوی دیگر، می‌دانیم که در یک جامعه مطلوب دینی که اسلام در پی تحقق آن است، عمده فعالیت‌های اقتصادی بر دوش مردان گذاشته شده و مهم‌ترین وظیفه زنان و نه تنها وظیفه آنان، اداره کانون بنیادی‌ترین هسته تشکیل جامعه، یعنی خانواده است و بدین ترتیب، آثاری که از نظر اقتصادی بر وجود یک مرد مترتب می‌شود، غالباً بیش از یک زن است و از این رو است که تحصیل نفقه نیز بر عهده مرد گذاشته شده و بر او واجب است که نفقه همسر خود را تأمین کند تا همسرش بدون دغدغه خاطر و دل‌مشغولی تأمین معاش، به اداره امور داخلی خانواده و تربیت آینده‌سازان جامعه اسلامی بپردازد. بر اساس این، واضح است که نبود یک مرد از صحنه خانواده و اجتماع، از نظر اقتصادی آثار زیان‌بارتری برجای می‌گذارد تا فقدان یک زن؛ بنابراین، عدالت اقتضا می‌کند که به هنگام جبران ضرر اقتصادی فقدان یک مرد از محیط خانواده و اجتماع، به عامل مولد بودن او از حیث اقتصادی توجه شود و میان دیه او و دیه یک زن فرق گذاشته شود؛ چراکه میزان تأثیر زنان در تولید اقتصادی، حتی

۶۰. قانون دیات و مقتضیات زمان، صص ۱۴۰-۷۷.

در جهان امروز، کمتر از مردان است. بر اساس این، شارع مقدس در تشریح حکیمانانه خویش، دیه مرد را دو برابر دیه زن قرار داده است تا عدالت رعایت گردد؛ زیرا عدالت الزاماً با تساوی یکی نیست؛ دو) عدالت اقتضا می‌کند که به هنگام ایراد صدمه بدنی به یک مرد که نان‌آور خانه محسوب می‌شود، به منافع بازماندگانش توجه و به گونه‌ای عمل شود که فقدان او آنان را دچار مشکل نسازد. بر اساس این، شارع مقدس با افزایش دیه مرد نسبت به دیه زن، در واقع به مصالح و منافع بازماندگان مرد که معمولاً همسر و فرزندان او هستند، توجه کرده و بدین وسیله راهکار مناسبی برای تأمین مخارج زندگی این بازماندگان پس از فوت نان‌آورشان ارائه داده است.

در پایان بررسی حکمت تفاوت دیه زن و مرد، یادآوری دو نکته ضروری است: نخست، همه آنچه در اینجا بیان شد، حکمت و فلسفه تفاوت دیه زن و مرد است و حکمت و فلسفه یک حکم شرعی لزوماً «علت» آن محسوب نمی‌شود؛ به همین علت هم فقها هیچ‌گاه بر اساس «حکمت»، به استنباط «حکم شرعی» نمی‌پردازند؛ زیرا چنانکه پیش از این بیان شد، حکم شرعی دایر مدار حکمت و فلسفه‌ای که ما استنباط کرده‌ایم، نیست و چه بسا علت آن حکم چیز دیگری غیر از آن حکمت و فلسفه باشد؛^{۶۱} بنابراین، اگر ما در این مباحث به حکمت و فلسفه مشخصی برای تفاوت دیه زن و مرد اشاره کردیم، این بدان معنا نیست که در صورت نبود آن حکمت و فلسفه در مواردی خاص، تفاوت دیه از میان می‌رود و می‌توان به برابری دیه زن و مرد حکم داد؛ دوم، در برخی از روایات در بیان فلسفه تفاوت میراث زن و مرد به نکته‌ای اشاره شده که با تنقیح مناط می‌توان از آن در بیان فلسفه تفاوت دیه زن و مرد نیز استفاده کرد. در روایتی که محمد بن سنان از امام رضا(ع) نقل

۶۱. ر.ک: ملاکات احکام و شیوه‌های استکشاف آن، صص ۳۴؛ درآمدی بر فلسفه احکام، صص ۳۱۵-۳۰۷.





کرده، در این زمینه چنین آمده است: «أَنَّ أَبَا الْحَسَنِ الرَّضَا (ع) كَتَبَ إِلَيْهِ فِيمَا كَتَبَ مِنْ جَوَابِ مَسْأَلِهِ عِلَّةَ إِعْطَاءِ النِّسَاءِ نِصْفَ مَا يُعْطَى الرَّجَالَ مِنَ الْمِيرَاثِ لِأَنَّ الْمَرْأَةَ إِذَا تَزَوَّجَتْ أَخَذَتْ وَالرَّجُلُ يُعْطَى فَلِذَلِكَ وَفَرَّ عَلَى الرَّجَالِ وَعِلَّةُ أُخْرَى فِي إِعْطَاءِ الذَّكَرِ مِثْلَى مَا تُعْطَى الْأُنثَى لِأَنَّ الْأُنثَى فِي عِيَالِ الذَّكَرِ إِنْ أَحْتَا جَتْ وَعَلَيْهِ أَنْ يُعْوَلَهَا وَعَلَيْهِ نَفَقَتُهَا وَ لَيْسَ عَلَى الْمَرْأَةِ أَنْ تَعُولَ الرَّجُلَ وَلَا تُؤَخِّذَ بِنَفَقَتِهِ إِنْ أَحْتَا جَ فَوْفَرَ عَلَى الرَّجُلِ لِذَلِكَ وَ ذَلِكَ قَوْلُ اللَّهِ تَعَالَى «الرَّجُلُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَ يَمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ»^{۶۲}؛^{۶۳}» حضرت رضا (ع) در جواب مسائلی که از آن جناب سؤال کردم، مکتوبی برابم فرستادند که در آن نوشته شده بود: سر اینکه به زنان نصف میراث مردان می‌رسد، آن است که زن وقتی ازدواج می‌کند، مالی را از مرد می‌ستاند (شاید مراد گرفتن مهریه یا نفقه باشد)؛ ولی مرد پس از ازدواج، باید اعطا کند؛ از این رو، بهره و نصیب او را بیشتر از بهره و نصیب زن قرار داده‌اند. علت دیگر برای دو برابر ارث بردن مردان از زنان این است که زن اگر محتاج باشد، در زمره نان‌خورهای مرد داخل بوده و بر مرد لازم است او را اداره کند و نفقه‌اش را بپردازد؛ ولی بر زن واجب نیست مرد را اداره کند و در صورت احتیاج وی، نفقه‌اش را بدهد؛ از این رو، بهره و نصیب مردان را دو برابر بهره و نصیب زنان قرار داده‌اند و به همین معنا اشاره دارد فرموده حق تعالی: مردان سرپرست زنان‌اند؛ به دلیل آنکه خدا برخی از ایشان را بر برخی برتری داده و [نیز] به دلیل آنکه از اموالشان خرج می‌کنند.»

چنانکه ملاحظه می‌شود، در این روایت فلسفه تفاوت ارث زن و مرد و دو برابر بودن ارث مرد نسبت به زن در برخی از حالات خاص تقسیم ارث، جایگاه اقتصادی متفاوت زن و مرد در خانواده و نان‌آور

۶۲. نساء، ۳۴.

۶۳. علل الشرائع، ج ۲، ص ۵۷۰.

بودن مردان ذکر شده است که با تنقیح مناط می‌توان از آن استفاده کرد که فلسفه تفاوت دیه زن و مرد نیز همین موضوع است.

نتیجه‌گیری

در بخش نخست این مقاله، با هدف دفاع از مبانی، منابع و روش‌شناسی اصیل فقه اسلامی اعم از شیعه و اهل سنت و نفی استنباط‌های بی‌اساس از منابع اسلامی و اجتهاد در مقابل نص که در سالهای اخیر در برخی از مقالات رایج شده است، ابتدا به بررسی دیدگاه فقهای مذاهب چهارگانه اهل سنت درباره تفاوت دیه زن و مرد پرداختیم و اثبات کردیم که همه فقهای این مذاهب، مگر تعداد نادری از آنان، بر این موضوع اتفاق نظر دارند که دیه زن نصف دیه مرد است. آنان در این زمینه به احادیث، آثار و دلایل عقلی تمسک جستند. اما احادیث؛ از جمله آنها روایت مرفوعه‌ای است که معاذ بن جبل از پیامبر اکرم (ص) نقل کرده و در آن آمده است: «دیه زن نصف دیه مرد است.» از علی (ع) نیز روایت شده است: «دیه زن در جان و کمتر از جان، نصف دیه مرد است»؛ اما آثار در این زمینه فراوان است و از اصحاب بزرگوار پیامبر (ص) همچون امام علی (ع)، عمر، عثمان، ابن عباس، ابن عمر و زید بن ثابت در همین موضوع روایت‌هایی نقل شده است تا آنجا که گفته‌اند: در اینکه دیه زن نصف دیه مرد است، یاران پیامبر اجماع نموده‌اند. دلیل عقلی هم اینکه چون زن در میراث و شهادت نصف مرد است؛ پس در دیه نیز باید چنین باشد. البته از ابن‌علیه و ابوبکر اصم که از مخالفان قیاس بوده‌اند، حکایت شده که گفته‌اند: دیه زن و مرد باهم برابر است؛ زیرا پیامبر در حدیث عمرو بن حزم [به‌طور مطلق] می‌فرماید: «دیه جان مؤمن صد شتر است»؛ اما دیدگاه این دو تن خلاف اجماع بوده و مورد توجه هیچ‌یک از فقهای مذاهب اهل سنت واقع نشده است.

در ادامه نیز به بررسی دیدگاه فقهای امامیه پرداختیم

و نشان دادیم که فقهای این طایفه نیز چون فقهای دیگر مذاهب اسلامی دیه زن را در موارد قتل، نصف دیه مرد می‌دانند و در تمام تاریخ فقه امامیه، حتی یک نفر هم در این زمینه قول مخالف ندارد. مهم‌ترین دلایل فقهای امامیه در این زمینه یکی روایات صحیح و مستفیض نقل‌شده از اهل‌بیت (ع) است که از آن جمله می‌توان به صحیح عبدالله بن مُسکان، صحیح عبدالله بن سنان و صحیح ابو عبیده اشاره کرد که همه آنها از امام صادق (ع) نقل شده است و دیگری اجماع. از میان فقهای متقدم کسانی مانند شیخ طوسی و از میان فقهای متأخر کسانی مانند سید علی طباطبایی و شیخ محمدحسن نجفی نصف بودن دیه زن را اجماعی دانسته‌اند و برخی نیز ادعا کرده‌اند که هر دو نوع اجماع، یعنی هم اجماع محکی (منقول) و هم اجماع محصل، بر موضوع یادشده دلالت می‌کند. بر اساس این می‌توان گفت که در میان فقهای امامیه و اهل سنت، هیچ اختلاف‌نظری درباره نصف بودن دیه زنان در موارد قتل وجود ندارد و آنان در این زمینه اتفاق نظر کامل دارند.

در بخش دوم این مقاله، دیدگاه فقها و مفسران شیعه

و اهل سنت در زمینه حکمت‌های احتمالی تفاوت دیه زن و مرد را بررسی کردیم و نشان دادیم که برخلاف دیدگاه برخی نویسندگان، تفاوت دیه زن و مرد، نه به دلیل تلقی خاص اسلام نسبت به شخصیت انسانی زن و نه به دلیل بی‌توجهی اسلام به حقوق زن بوده است، بلکه این تفاوت ریشه در امور دیگری دارد که مهم‌ترین آنها توجه به تفاوت جایگاه اقتصادی زن و مرد در خانواده و در نتیجه، تفاوت آثار و نتایج فقدان زن و مرد در محیط خانواده و نگاه همه‌جانبه به تبعات و عواقب اجرای احکام است؛ به بیان دیگر، عدالت اقتضا می‌کند که به هنگام جبران ضرر اقتصادی فقدان یک مرد از محیط خانواده و اجتماع، به عامل مولد بودن او از حیث اقتصادی توجه گردد و میان دیه او و دیه یک زن فرق گذاشته شود؛ چراکه میزان تأثیر زنان در تولید اقتصادی، حتی در جهان امروز، کمتر از مردان است. بر اساس این، شارع مقدس در تشریح حکیمانانه خویش، دیه مرد را دو برابر دیه زن قرار داده است تا عدالت رعایت گردد؛ زیرا عدالت الزاماً با تساوی یکی نیست.

کتابنامه

- قرآن کریم.
- *احکام القرآن*، احمد بن علی جصاص، بیروت، دارالکتاب العربی، ۱۴۱۷ق.
- *احکام القرآن*، محمد بن عبدالله ابن عربی، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۶ق.
- *الأم*، محمد بن ادريس شافعی، بیروت، دارالمعرفه، ۱۴۰۸ق.
- *بدائع الصنائع فی ترتیب الشرائع*، ابوبکر بن مسعود کاسانی، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۷ق.
- «بررسی نظریه مشهور در تفاوت دیه زن و مرد»، سید محمدعلی ایازی، *مجله بانوان شیعه*، شماره ۲۱، ۱۳۸۸ش.
- «تبعیت احکام از مصالح و مفاسد»، حسنعلی علی‌اکبریان، *مجله فقه*، سال ۱۹، شماره ۴، ۱۳۹۱ش.
- «تبعیت یا عدم تبعیت احکام از مصالح و مفاسد واقعی»، ابوالقاسم علیدوست، *مجله فقه و حقوق*، شماره ۶، ۱۳۸۴ش.
- «تعامل و تعارض بین فقه و حقوق بشر (مصاحبه)»، سید محمد موسوی بجنوردی، *مجله فرزانه*، شماره ۸، ۱۳۷۵ش.
- *تفاوت زن و مرد در دیه و قصاص (ماده ۲۰۹ و ۲۷۳ قانون مجازات اسلامی)*، به سفارش شورای فرهنگی و اجتماعی زنان، ابراهیم شفیعی سروستانی، تهران، سفیر صبح، ۱۳۸۰ش.





- تفسیر المنار، محمد رشیدرضا، مصر، الهیئه المصریه العامه للكتاب، ۱۹۹۰م.
- تفصیل وسائل الشیعه إلى تحصیل مسائل الشریعه، محمد بن حسن حرعاملی، قم، مؤسسه آل البيت (ع) لاحیاء التراث، ۱۴۱۶ق.
- الجامع لأحكام القرآن، محمد بن احمد قرطبی، بیروت، دارالفکر، ۱۴۰۷ق.
- جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، محمدحسن نجفی، تهران، دارالکتب الإسلامیه، ۱۳۶۷ش.
- الحاوی الکبیر فی فقه مذهب الإمام الشافعی، علی بن محمد ماوردی، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۴ق.
- درآمدی بر فلسفه احکام (کارکردها و راههای شناخت)، حسنعلی علی اکبریان، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۹۵ش.
- «دروس خارج فقه بحث دیات»، ناصر مکارم شیرازی، روزنامه فیضیه، شماره ۱۸، ۱۳۸۶ش.
- «دیه زن رویارویی دو دیدگاه در فقه اهل سنت»، جلیل امیدی و سهیلا رستمی، مجله حقوق، دوره ۴۰، شماره ۴، ۱۳۸۹ش.
- ریاض المسائل فی بیان احکام الشرع بالدلائل، سید علی بن محمدعلی طباطبایی، بیروت، دارالهادی، ۱۴۱۲ق.
- زن در آینه جلال و جمال، عبدالله جوادی آملی، قم، اسراء، ۱۳۷۷ش.
- شرائع الإسلام فی مسائل الحلال والحرام، جعفر بن حسن محقق حلّی، قم، مؤسسه اسماعیلیان، ۱۴۰۸ق.
- علل الشرائع، محمد بن علی ابن بابویه، قم، کتابفروشی داوری، ۱۳۸۵ش.
- غنیة النزوع الی علمی الأصول و الفروع، حمزة بن علی ابن زهره حلّبی، قم، مؤسسه الإمام الصادق (ع)، ۱۴۱۷ق.
- «فقاہت جواهری یا فقاہت...؟»، عباس ظہیری، مجله صبح، شماره ۷۳، ۱۳۷۶ش.
- الفقه الإسلامی و أدلته، وهبه زحیلی، دمشق، دارالفکر، ۱۴۰۹ق.
- «فقه و مقاصد شریعت»، ابوالقاسم علیدوست، مجله فقه اهل بیت، شماره ۴۱، ۱۳۸۴ش.
- قانون دیات و مقتضیات زمان، ابراهیم شفیعی سروسرانی، محمدکاظم رحمان ستایش و جلالالدین قیاسی، تهران، مرکز تحقیقات استراتژیک ریاست جمهوری، ۱۳۷۶ش.
- قواعد الأحکام، حسن بن یوسف حلّی، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۳ق.
- الکافی فی فقه أهل المدینة المالکی، یوسف بن عبدالله ابن عبدالبر، ریاض، مکتبه الرياض الحدیثه، ۱۳۹۸ق.
- الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، تهران، دارالکتب الإسلامیه، ۱۳۶۵ش.
- کتاب الخلاف، محمد بن حسن طوسی، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۰۷ق.
- کفایة الأخیار فی حلل غایة الإختصار، ابوبکر بن محمد حصنی، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۴ق.
- «گفتمان فقه اسلامی و رویکرد عدالت گرایانه بر مسئله برابری دیه زن و مرد»، ذبیح الله شمس و محمدعلی شمس، مجله کانون وکلا، شماره ۱۱۵، ۱۳۹۰ش.
- «ماهیت مقاصد شریعت و نقش آن در استنباط حکم شرعی از دیدگاه فریقین»، هدایت حسین محصلی و بهادر نوری، مجله مطالعات تطبیقی کلام، شماره ۱۶، ۱۳۹۹ش.
- المبسوط فی فقه الإمامیه، محمد بن حسن طوسی، تهران، المکتبه المرتضویه لإحیاء الآثار الجعفریه، ۱۳۸۷ق.

- المبسوط، محمد بن احمد سرخسی، بیروت، دارالمعرفة، بی تا.
- العربی، بی تا.
- المجموع شرح المذهب، یحیی بن شرف نووی، بیروت، دارالمعرفة، بی تا.
- المقنعة، محمد بن محمد مفید، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۰ق.
- متن الخرقی علی مذهب ابی عبدالله احمد بن حنبل الشیبانی، عمر بن حسین خرقی، طنطا، دارالصحابة، ۱۴۱۳ق.
- ملاکات احکام و شیوه‌های استکشاف آن، سید محمدعلی ایازی، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۶ش.
- المراسم فی الفقه الإمامی، حمزة بن عبدالعزيز سلار دیلمی، قم، منشورات الحرمین، ۱۴۰۴ق.
- المذهب، عبدالعزيز بن نحریر ابن براج، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۰۶ق.
- معیارهای بازشناسی احکام ثابت و متغیر در روایات، حسنعلی علی اکبریان، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۶ش.
- الموسوعة ابن ادریس الحلی، محمد بن احمد ابن ادریس حلّی، محمد، قم، دلیل ما، ۱۳۸۷ش.
- المغنی علی مختصر الخرقی، عبدالله بن احمد ابن قدامه، بیروت، دارالکتب العربی، بی تا.
- الموسوعة الفقهیة، کویت، وزارت الأوقاف و الشؤون الإسلامیة، ۱۴۱۰ق.
- الهدایة فی شرح بداية المبتدی، علی بن ابی بکر مرغینانی، بیروت، دارإحیاء التراث العربی، بی تا.
- مفتاح الكرامة فی شرح قواعد العلامة، سید

